بهیار بخش عفونی بیمارستان افضلی پور:

کادر درمان دیگر انرژی ندارد

• مردم ما را فراموش کرده‌اند

پروین میرزاحسینی

این روزها بخش عفونی شلوغ‌ترین ایام خود را سپری می‌کند، تخت‌ها حتی برای چند ساعت هم از بیمارانی که عموما بدحال هستند خالی نمی‌شود. با وجود این‌که بخش‌های دیگر بیمارستان افضلی‌پور را نیز به بستری بیماران کرونایی اختصاص داده‌اند اما افزایش ابتلا و آمار بیمارانی که نیاز به بستری دارند، کار کادر درمان را چند برابر کرده و به گفته‌ی مکیه منصوری، بهیار بیمارستان افضلی‌پور، این روزها خستگی بر پرستاران و بهیاران غلبه کرده و دیگر مثل قبل انرژی ندارند، اما با این وجود سعی می‌کنند به بیماران قوت قلب بدهند و از آن‌ها به بهترین نحو مراقبت کنند.

خانم منصوری خودش هم به کرونا مبتلا شده و این بیماری را نسبتا سخت تجربه کرده است. آثار بیماری هنوز در بدنش وجود دارد و می‌گوید زمان کار گاهی دچار تنگی‌نفس می‌شود. او می‌گوید فکر می‌کنم مردم ما را فراموش کرده‌اند و دیگر برایشان مهم نیست که در چه شرایطی کار می‌کنیم و دیگر مثل قبل ما را همراهی نمی‌کنند، و الا مهمانی و مراسم برگزار نمی‌کردند و کمتر از خانه بیرون می‌آمدند.

گفت‌وگو با این بهیار بیمارستان افضلی‌پور را در ادامه بخوانید.

خانم منصوری چه مدت است که در بخش عفونی مشغول کار هستید؟

۹ سال است که بهیار بخش عفونی بیمارستان افضلی‌پور هستم، در واقع از همان ابتدا در بخش عفونی بودم.

در بیمارستان چه کارهایی به عنوان بهیار انجام می‌دهید؟

تمام کارهایی که یک پرستار انجام می‌دهد را انجام می‌دهم و فرق چندانی ندارد.

در شرایط فعلی ساعات کاری‌تان هم تغییر کرده است؟

بله. گاهی ممکن است شیفت ترکیبی داشته باشیم و ۱۲ ساعت کار کنیم. زمانی هم که شب‌کار باشیم از ساعت هفت‌ونیم عصر تا هفت‌ونیم صبح شیفت هستیم و زمانی که به خانه می‌رسیم ساعت از هشت هم گذشته است. زمانی که نیروها به دلیل استعلاجی در مرخصی باشند ساعت کاری ما هم اضافه می‌شود و شیفت‌ها فشرده‌تر می‌شود.

وقتی برای اولین بار در بیمارستان بیمار مبتلا به کرونا بستری کردید، حال و هوای بیمارستان و کادر درمان چگونه بود؟

آن زمان فقط بخش عفونی بحرانی بود و سایر بخش‌ها روال عادی خودشان را داشتند. کرونا بیماری ناشناخته‌ای بود و هیچ اطلاعی از آن نداشتیم. راه سرایت آن هم دقیق مشخص نبود، عده‌ای می‌گفتند این بیماری از راه هوا منتقل می‌شود و عده‌ای هم می‌گفتند از راه قطرات بینی و دهان قابل سرایت است. عدم آشنایی سبب می‌شد استرس و اضطراب داشته باشیم. بیشتر استرس‌مان هم برای این بود که بیماری را به خانواده‌هایمان منتقل کنیم و فرزندان‌مان مبتلا شوند. زیاد ترسی از بیمار شدن خودم نداشتم. اوایلی که بیماری آمده بود در بعضی وسایل با کمبود مواجه بودیم به عنوان مثال ماسک N95 نداشتیم و از ماسک معمولی استفاده می‌کردیم و یا مجبور بودیم از یک گان چندین دفعه استفاده کنیم.

یک روز که ماسک نبود تعدادی از همکاران ناراحت شده بودند و گفتند اگر این وضعیت ادامه داشته باشد انصراف می‌دهند اما من با خودم فکر کردم اگر به دلیل این شرایط، کار را رها کنم، شرمنده‌ی پدرم خواهم شد. (خانم منصوری فرزند شهید هستند) برای همین تصمیم گرفتم به هر قیمتی، چه امکانات باشد و چه نباشد، تا آخرین لحظه کارم را ادامه بدهم.

خودتان هم به کرونا مبتلا شدید؟

بله. هفدهم مهرماه مبتلا شدم، خوشبختانه بستری نشدم و در خانه قرنطینه بودم اما خیلی اذیت شدم. بدن درد و تب و لرز خیلی آزارم داد.

چه کسی از شما پرستاری می‌کرد و فرزندان‌تان چه شرایطی داشتند؟

من سه فرزند دارم. زمانی که بیمار شدم، همسرم به اتفاق دختر و پسر کوچکم که کلاس ششم ابتدایی است به شهرستان رفتند و پسر بزرگم که دانشجو است در خانه با من ماند تا هم از من پرستاری کند و هم اگر شرایطم به گونه‌ای بود که به بیمارستان نیاز داشتم من را به بیمارستان برساند. خوشبختانه هیچ‌یک از اعضای خانواده‌ام مبتلا نشدند. بعد از اینکه دوره‌ی نقاهت من سپری شد فرزندانم برگشتند اما همچنان در خانه فاصله را رعایت می‌کنیم و زیاد به آن‌ها نزدیک نمی‌شوم.

وضعیت بیمارستان در حال حاضر با روزهای نخست شیوع بیماری چه تفاوتی دارد؟

بیمارانی که روزهای اول به بیمارستان مراجعه می‌کردند فکر می‌کردند چون به کرونا مبتلا شدند به آخر خط رسیده‌اند و فوت می‌کنند. کسانی که بیماری زمینه‌ای داشتند هم ترس‌شان چند برابر بود. آن زمان ما از نظر روحی خیلی خوب بودیم و به بیماران روحیه می‌دادیم. حفظ روحیه خیلی برای بیمار مهم است. به آن‌ها دلداری می‌دادیم که خوب می‌شوند و این خیلی تاثیر داشت. وقتی بیماری بهبود پیدا می‌کرد و از بیمارستان مرخص می‌شد ما هم از شادی آن‌ها خوشحال می‌شدیم. اما الان متاسفانه مردم رعایت نمی‌کنند. قبلا در بخش عفونی حداکثر ۱۵ بیمار بستری بود اما الان با وجود این‌که چندین بخش عفونی و آی‌سی‌یو در بیمارستان فعال شده‌اند، ظرفیت همه‌ی آن‌ها تکمیل است.

روزهای اول، بیماران همراهی نداشتند و تمام کارهای مربوط به آن‌ها را خودمان انجام می‌دادیم.

آمار مبتلایان که بالا رفت دیگر امکان رسیدگی به همه‌ی بیماران برای ما وجود نداشت. بعضی بیماران بدحال بودند و ماسک اکسیژن‌شان را برمی‌داشتند و نیاز بود همراهی داشته باشند. وقتی ما از یک اتاق به اتاق دیگری می‌رفتیم از بیمار بی‌خبر بودیم و برای همین اجازه دادند بیماران همراه داشته باشند. اما متاسفانه برخی همراهان بیمار رعایت نمی‌کنند و عقیده دارند کرونا یک بیماری است که همه به آن مبتلا می‌شوند و تعدادی هم می‌گویند برخی از آشنایان و اقوام‌شان به کرونا مبتلا شده‌اند و خیلی زود خوب شدند.

معمولا بیماران کجا به کرونا مبتلا شدند؟

عده‌ای جشن تولد داشتند، بعضی‌ها در مهمانی مبتلا شده‌اند، عده‌ای کارمند اداره بودند که از طریق ارباب رجوعی که مبتلا به بیماری بوده درگیر کرونا شدند. مادربزرگ و پدربزرگ‌هایی هم داریم که می‌گویند از خانه بیرون نرفته‌اند اما از طریق فرزندان‌شان که برای سر زدن به آن‌ها رفته بودند مبتلا شده‌اند. متاسفانه عده‌ای با وجود این‌که از بیماری خود آگاهی دارند نه تنها رعایت نمی‌کنند بلکه بیرون هم می‌روند و این موضوع سبب می‌شود تعداد زیادی به کرونا مبتلا شوند.

کار در محیط پر خطر بیمارستان، روی زندگی شما چقدر تاثیر گذاشته است؟

زمانی که به خانه می‌رسم تمام لباس‌هایم را داخل سبد می‌ریزم و حتما دوش می‌گیرم. کنار بچه‌هایم نمی‌نشینم. جایی نمی‌رویم. نه مهمانی رفتیم و نه مهمانی دادیم. تا حد امکان رعایت می‌کنیم چون فکر می‌کنم در صورتی که رعایت نکنیم و دیگران به دلیل کارهای ما مبتلا شوند در حق آن‌ها ظلم کردیم.

شرایط روحی شما و همکارانتان در بیمارستان این روزها چگونه است؟

روحیه‌ی شادابی که اوایل داشتیم را نداریم. خستگی در چهره‌ی همه‌ی کادر درمان به چشم می‌خورد. به بیماران دلداری می‌دهیم و سعی می‌کنیم این خستگی را به بیماران منتقل نکنیم اما دیگر انرژی نداریم.

این روزها چه دعایی می‌کنید؟

دعا می‌کنم این کرونا تمام شود. مردم رعایت کنند و درک کنند. اوایل همه می‌گفتند کادر درمان را حمایت می‌کنیم اما انگار ما را فراموش کرده‌اند. دیگر کسی برایش مهم نیست پرستاران و کادر درمان در چه شرایطی کار می‌کنند. اگر مثل خانواده‌هایمان که نگران حال ما هستند، رعایت می‌کردند، مهمانی و دورهمی برگزار نمی‌کردند و کمتر از خانه بیرون می‌آمدند، آمار ابتلا بالا نمی‌رفت و کادر درمان می‌توانستند نفسی تازه کنند و با انرژی بیشتر کارشان را ادامه دهند.

خبر

درچارچوب ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی مطرح شد؛

اعلام آمادگی شهرداری کرمان برای راه‌اندازی کتابخانهٔ سیار

گروه جامعه - شهردار کرمان از آمادگی شهرداری برای راه‌اندازی کافه‌کتاب در پارک‌های کرمان خبر داد و گفت که می‌توان از ظرفیت پارک‌ها برای مانوس کردن کودکان با کتاب استفاده کرد. او همچنین با اشاره به راه‌اندازی کتابخانه‌ی سیار با استفاده از تجهیز چند اتوبوس برای حضور در مناطق حاشیه‌ی شهر، گفت که این اتوبوس‌ها می‌توانند به‌صورت هفتگی به محله‌های مختلف بروند تا ضمن جلب توجه مردم به موضوع کتاب، موجب شور و نشاط در محله‌ها نیز بشوند. به گزارش کرمان‌آنلاین، سیدمهران عالم‌زاده در نشست با مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان که به مناسبت هفته‌ی کتاب برگزار شد، با اشاره به رسالت فرهنگی و اجتماعی شهرداری در خصوص ترویج فرهنگ کتابخوانی، بیان کرد: «با افزایش ساعت مطالعه در جامعه، سطح فرهنگ و دانش عمومی ارتقا پیدا خواهد کرد».

وی با تأکید بر این‌که کتاب خواندن و آشنایی کودکان با کتاب باید از دوران کودکی شروع شود، به انتخاب کرمان به‌عنوان پایلوت شهر دوستدار کودک اشاره کرد و افزود: «شهرداری در حوزه‌ی ترویج فرهنگ کتابخوانی، می‌تواند سهم عمده‌ای داشته باشد؛ بنابراین، لازم است در اقدامی سه‌جانبه موارد لازم را جمع‌بندی و طرح ویژه‌ای را در حوزه‌ی کودک ارائه کنیم». شهردار کرمان ادامه داد: «در این زمینه می‌توانیم از ظرفیت دستگاه‌های متولی و متخصص حوزه‌ی کودک نیز بهره بگیریم». وی به راه‌اندازی کافه‌کتاب در پارک‌ها نیز اشاره کرد و گفت: «کافه‌کتاب از لحاظ اقتصادی و فرهنگی جذابیت دارد و می‌توان از ظرفیت پارک‌ها برای این موضوع در راستای ترویج کتابخوانی استفاده کرد». عالم‌زاده افزود: «در ساعات حضور کودکان در پارک‌ها می‌توان آن‌ها را با کتابخوانی مأنوس کرد که این ایده می‌تواند با همکاری شهرداری و اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی محقق شود».

وی به راه‌اندازی کتابخانه سیار برای ترویج فرهنگ کتابخوانی در شهر کرمان نیز اشاره کرد و یادآور شد: «این کتابخانه در مناطق حاشیه‌ی شهر و مناطق کم‌برخوردار که ساختاری برای مطالعه در آن‌ها وجود ندارد، می‌تواند مؤثر و برای مردم جذاب باشد». شهردار کرمان افزود: «در این خصوص می‌توانیم چند اتوبوس را تجهیز کنیم تا به‌صورت هفتگی به محله‌های مختلف بروند و ضمن جلب توجه مردم به موضوع کتاب، موجب شور و نشاط در محله‌ها نیز بشوند».

عالم‌زاده با بیان این‌که شهرداری در حد توان برای ترویج فرهنگ کتابخوانی تلاش می‌کند، گفت: «برای راه‌اندازی کافه‌کتاب و کتابخانه سیار نیاز است با اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان چارچوب مشترکی تعیین کنیم و نقشه راه داشته باشیم». وی ترویج فرهنگ کتابخوانی را به‌واسطه‌ی افزایش سطح فرهنگ عمومی تأثیرگذار دانست و بر توجه بیشتر به این موضوع تأکید کرد. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان نیز در این نشست در خصوص برنامه‌های هفته‌ی کتاب گفت: «رایگان بودن عضویت در کتابخانه‌های شهر و خرید کتاب از طریق کتابفروشی‌ها با ۲۰ درصد تخفیف، ازجمله برنامه‌های هفته‌ی کتاب است».

محمدرضا علیزاده افزود: «۱۵ دستگاه فرهنگی برنامه‌های خود را در خصوص هفته‌ی کتاب ارائه کرده‌اند و ۱۳۰ برنامه در این زمینه تدارک دیده شده است».

وی ضمن ابراز خرسندی از توجه شهردار کرمان به امور فرهنگی گفت: «در سال گذشته با کمک و همراهی شهردار کرمان، نمایشگاه خوب و قابل توجهی در زمینه‌ی کتاب برگزار کردیم و امیدواریم امسال نیز بتوانیم نمایشگاه مجازی کتاب را در کرمان راه‌اندازی کنیم».

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان موضوعاتی چون تلاش برای انتخاب کرمان به‌عنوان پایتخت کتاب ایران، ارتقای سواد رسانه‌ای، ترویج برنامه‌های قرآنی و ترویج فرهنگ کتابخوانی را از مصوبات شورای فرهنگ عمومی در سال گذشته دانست و بیان کرد: «شهرداران، محور ترویج کتاب در مراکز استان‌ها و رئیس شورای برنامه‌ریزی پایتخت کتاب هستند». علیزاده ترویج کتابخوانی در شهر و اقدامات لازم برای انتخاب کرمان به‌عنوان پایتخت کتاب ایران را مهم دانست و گفت: «کرمان از لحاظ فعالان حوزه‌ی کتاب و نویسندگان خبره، ظرفیت خوبی دارد؛ بنابراین، می‌توانیم با هم‌افزایی، کارهای مهمی انجام دهیم و زمینه را برای انتخاب کرمان به‌عنوان پایتخت کتاب ایران فراهم کنیم».

گزارش تصویری

تبلیغات شهری به مناسبت هفته کتاب و روز کتابدار